بررسی عوامل همگرایی جمهوری اسلامی ایران با جماعت اخوان المسلمین

مقدمه

قرائت‌های متفاوت از گفتمان اسلام سیاسی را می‌توان یکی از اصلی‌ترین عوامل تاثیرگزار بر تحولات منطقه غرب آسیا قلمداد کرد. اگرچه مولفه‌هایی چون قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) و صحابه او در میان اهل سنت و مضاف بر آن اعتقاد به معصومیت و امامت اهل بیت(ع) در میان شیعیان دال‌های مرکزی این گفتمان را شکل می‌دهد؛ اما تنوع و تفاوت در نوع نگاه به هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اسلامی، طیف وسیعی از پیروان گفتمان اسلام سیاسی و در مقابل، اسلام غیر سیاسی را پدیدار ساخته است.

در گفتمان اسلام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از تمام گروه‌ها و جریان‌های اسلامی تا سرحد عدم اتکا به اقدامات تروریستی و تکفیری، اصلی تغییرناپذیر در سیاست خارجی محسوب شده است. البته، میزان حمایت با توجه به مؤلفه‌هایی مثل چگونگی و حدود مبارزه با رژیم صهیونیستی، میزان وابستگی به غرب و نوع مواجهه با عقاید شیعیان؛ متغیر بوده است.

در این میان جماعت اخوان المسلمین، به عنوان یکی از مهم‌ترین جریان‌های اسلامی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا از یکصد سال گذشته و از زمان تشکیل آن در سال 1928 توسط حسن البنا مورد توجه علما و اندیشمندان سیاسی ایران پیش و پس از انقلاب اسلامی بوده است.

به نظر می‌رسد اشتراکات گفتمانی میان جمهوری اسلامی ایران و جماعت اخوان المسلمین از جمله نقاط مشترکی است که در بعد هویتی و در راستای وحدت‌گرایی اسلامی قابلیت پیگیری روندهای همگرایانه را داشته و موفقیت در تعامل، می‌تواند علاوه بر تضعیف رویکرد مسلحانه گروه‌های سلفی-تکفیری، در سازه‌ای از منافع مشترک؛ به تقویت هویت اسلامی و وحدت مسلمانان کمک کند. البته باید توجه داشت که ما با یک اخوان المسلمین یکپارچه‌ای روبه رو نیستیم و از این رو شناخت گرایش‌های متعدد در این جماعت الزامی است.

بررسی اخوان المسلمین از آن رو ضروری است که این جریان فقط مختص به مصر نیست و امروزه در بیشتر

کشورهای اسلامی به صورت مستقیم و یا توسط گروه‌هایی که تأثیر پذیرفته از این جریان هستند؛ در حال فعالیت می‌باشند.

یکی از مهم‌ترین ابعاد مورد توجه در بررسی جماعت اخوان المسلمین توجه به تفاوت دیدگاه آن ها با جریان‌های سلفی-تکفیری چون داعش می‌باشد.

تفاوت‌های گفتمانی جریانهای سلفی-تکفیری (داعش) با اخوان المسلمین

الف) نوع نگاه جریان های سلفی-تکفیری(داعش) به اخوان المسلمین

داعش در شماره چهاردهم نشریه الکترونیکی خود به نام «دابق»، به نقد دیدگاه‌های اخوان المسلمین می‌پردازد. مقدمه این مقاله این‌گونه آغاز می‌گردد: "اخوان المسلمین به مانند سرطانی ویرانگر در سال 1928 در یکی از شهرهای مصر ظاهر، گسترش و شروع به غرق کل امت در ارتداد کرد". در پایان این مقاله نیز نظر شیخ ابومحمدالعدنانی نیز نقل می‌شود: "اخوان چیزی نیست جز یک حزب سکولار با یک ردا و عبای (اسلامی). آن‌ها شریرترینِ سکولاریست‌ها هستند".

"آن‌ها برای دموکراسی به خودشان اجازه می‌دهند که ستیز کنند و بمیرند. اما تمایلی برای پرداختن به جهاد و کشتن برای خداوند را ندارند. این یک نقض فاحش است. این کفر است و آن، نتیجه اطاعت از کفار آمریکایی و غربی است".

ب) نوع نگاه به شیعیان

از نگاه جریان‌های سلفی-تکفیری (داعش)، "از زمان تشکیل رافضی‌ها توسط صبای یهودی، این فرقه (شیعه) در جنگ با اسلام بوده است و حتی چندین بار همراه با کافران و صلیبی‌ها نیز، علیه اسلام جنگیده‌اند. با وجود ارتداد رافضی‌ها، حسن‌البنا و همراهانش جا پای دو تن از فراماسون‌ها یعنی محمدعبده و سید جمال افغانی گذاشتند. کسانی که پیشرو در تقریب بین مسلمانان و رافضی‌ها بودند".

ابومصعب زرقاوی می‌گوید: "دشمنان ما چهار گروه‌اند: آمریکایی‌ها، کردها، وابستگان دولت عراق و

شیعیان. از نظر ما، گروه اخیر کلید تحولات سیاسی عراق است. به این معنا که اگر ما عمق دینی، سیاسی و نظامی آنها را مورد هدف قرار دهیم، آن‌ها نیز تحریک می‌شوند و خوی وحشیگری خود را به اهل سنّت نشان می‌دهند. اگر در این طرح موفق شویم، می‌توان گفت توانسته‌ایم اهل سنّتِ غافل را نسبت به این گروه آگاه کنیم".

اما در مقابل چنین نظرات بدبینانه‌ای، حسن‌البنا مرشد عام اخوان المسلمین معتقد بود: «اختلاف فقهی در فروع سبب تفرقه در دین نیست و به خصومت و دشمنی منجر نخواهد شد و هر مجتهدی اجر و وثواب خود را می‌برد. عمر تلمسانی نیزمی‌گوید: اختلافات بین شیعه و سنی ریشه‌ای و متوجه اصول نیست، زیرا امر واحدی ما را به یکدیگر مربوط می‌سازد و آن «لا اله الا ا» و «محمد رسول ا» است.

پ) نوع نگاه به پیروان سایر ادیان

از نگاه گروه‌های سلفی-تکفیری (داعش)، اخوان المسلمین پیشرو انحراف در دعوت بین ادیان اسلام، مسیحیت و یهود بوده است و از این رو موجب از بین بردن التزام برائت از یهودیان و مسیحیان شدند.

از نگاه نشریه دابق، این جمله حسن البنا که "منازعه ما با یهودیان، دینی نیست. چون قرآن ما را تشویق کرده که با یکدیگر دوستانه برخورد کنیم. اسلام قبل از اینکه یک قانون قومی و نژادی باشد، یک قانون انسانی است"کفر محسوب می‌شود.

ت) نوع نگاه به قانون گزاری

طبق دیدگاه ارائه شده داعش در نشریه دابق، قانون گزاری توسط هرگونه مجلس و پارلمان، معادل ادعای الوهیت است. چنان که ایمن الظواهری در مورد اعتقاد سران اخوان المسلمین به انتخابات این گونه نظر داده است: "اخوان المسلمین به جای اینکه جوانان را برای جهاد به صف کند آنها را به صف‌های انتخاباتی می‌فرستد . "وقتی یکی از بندگان ادعا کند که مردم باید از او پیروی کنند و او از جانب خود حق قانون گذاری دارد و می‌تواند ارزش‌ها و معیارها را از سوی خود تعیین کند، این همان ادعای الوهیت است" .

در مقابل این نگاه‌های سلبی، حسن‌البنا رابطه زمامدار و ملت را قرارداد اجتماعی می‌داند و با حکومت موروثی کاملاً مخالف است. وی سازوکارهای نوین حکومت داری را مغایر با اسلام نمی‌داند و بر

بسیاری از آنها از جمله نظام پارلمانی صحه می‌گذارد.

ژ)نوع نگاه به جهاد

جریان‌های سلفی-تکفیری (داعش)، جهاد در اسلام را صرفاً برای «ردّ عدوان» نمی‌دانند بلکه قائل به جهاد هجومی موسوم به «جهاد الطلب» هستند و معتقدند هرکس به اسلام روی نیاورده و آن را در عقیده و سلوک رفتاری، پیاده نکند، با او فقط باید جهاد کرد و در این باره «هر مسلمانی شخصاً از طرف خدا مأمور است که چنین افرادی را بکُشد. این در حالی است که حسن‌البنا می‌گوید: «دعوت اساس دولت است و دولت نگهبان دعوت و این هر دو مایه قوام زندگی انسانی درست و صحیح‌اند».

عوامل همگرایانه جمهوری‌اسلامی‌ایران و جریان اخوان‌المسلمین

ایجاد نوعی احساس هویت باعث حمایت شدید از همگرایی منطقه‌ای می‌شود. به قول جوزف نای « احساس پایداری هر چه قویتر و جاذبه هویت بخشی هر چه شدیدتر باشد، به همان نسبت گروه‌های مخالف از معارضه مستقیم و رودررو با جریان همگرایی بیشتر حذر خواهند کرد. نای اذعان می‌کند که میزان همفکر بودن گروه‌های نخبگان در درون واحدهای همگرا از اهمیت زیادی برخوردار است.

اگر چه میان گفتمان مطلوب جمهوری اسلامی ایران و عملکرد اخوان المسلمین به خصوص در سال‌های پس از پیروزی این جریان در انقلاب ناتمام مصر در سال‌های 2011 تفاوت‌های زیادی وجود دارد؛ اما اهمیت توجه به این جریان و حدالامکان تلاش برای پیوند با این جماعت جهت اعمال فشار به مسیر وهابیت عربستان در منطقه؛ مسئله‌ای است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

ساختار تشکیلاتی سازمان یافته و اشتراکات دینی از مهمترین عوامل همگرایی و برقراری ارتباط میان نهادهای دینی جمهوری اسلامی ایران با جماعت اخوان‌المسلمین می‌باشد. البته این ارتباط در درجه اول نه در ابعاد حساسیت برانگیز سیاسی، بلکه در ابعاد هویت و وحدت اسلامی، و در روند تضعیف جریان‌های سلفی-تکفیری تعریف می‌شود. در این روند می‌توان نقاط مشترک را مورد توجه، و مسائل مورد اختلاف را حدالامکان نادیده یا به روشی حساب شده حل کرد.

سرگذشت فراز و نشیب گرایش های اخوان‌المسلمین در طول دهه‌های مختلف نیز موید این معناست که ما با یک جماعت یکدست و ثابتی مواجه نیستیم. از این رو مقدمات رسیدن به همگرایی، مستلزم طی نمودن مسیر همکاری در سطوح اولیه و به طرق گوناگون می‌باشد.

به طور کلی عوامل همگرایانه را می‌توان در عناوین ذیل مشاهده کرد:

الف) تاکید بر هویت اسلامی و پرهیز از شکاف شیعه-سنی

ویژگی جریان اصلی اخوان‌المسلمین در مقایسه با دیگر جنبش‌های سلفی، وجود رهبران متشخّص و باتجربه و همچنین وجه تکفیری‌نبودن آن است. به این معنا که اخوان‌المسلمین، همة فِرَق اسلامی از جمله شیعه را از مسلمین دانسته، تعامل با آنها و استناد به کتب معتبر شیعه را مثبت ارزیابی می‌کند. این تاکیدات را می‌توان به خصوص در سخنان رهبران قدیمی این جماعت دید.

عمر تلمسانی مرشد عام و از رهبران اخوان المسلمین در دهه‌های گذشته می‌گوید: اختلافات بین شیعه و سنی ریشه‌ای و متوجه اصول نیست، زیرا امر واحدی ما را به یکدیگر مربوط می‌سازد و آن «لا اله الا ا» و «محمد رسول ا» است.در اظهار نظری دیگر مرشدعام محمد مهدی عاکف در مصاحبه‌ای با روزنامه النهار کویتی گفته بود چه مانعی دارد مذهب شیعی گسترش یابد؟ سازمان کنفرانس اسلامی 56 عضو سنی مذهب دارد، حالا چرا باید از تنها کشور شیعه جهان ترسید؟

تاکید بر هویت مشترک را می‌توان در تاکیدات متعددی از سوی امام خمینی و مقام معظم رهبری مشاهده کرد. به عنوان نمونه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: مبلّغان شیعه و سنی هم همدیگر را آزرده نکنند. با هم همراهی کنید، همدلی کنید. در موارد اختصاصی خودشان، سنی کار خودش را بکند، شیعه کار خودش را بکند.

ب) تلاش برای تبدیل عناصر مشترک دینی به مفاهیم عمومی جهان اسلام

«عناصر» زمانی دارای معنا می‌شوند که با قرار گرفتن در گفتمان‌ها تبدیل به «مفهوم» شوند. عناصری مانند آزادی، تروریسم، دشمن و... با قرار گرفتن در گفتمان لیبرالیسمِ تعریف شده از سوی غرب و آمریکا دارای یک معنا، و با قرار گرفتن در گفتمان اسلامی دارای معانی دیگری می‌شوند. زمانی گفتمان اسلامی تقویت می‌شود که عناصر مشترک مسلمانان در قالب گفتمان‌های مشترک تعریف و عرضه شود.

از این رو می‌توان اشتراکات دینی فراوانی را جهتی برای همگرایی قرار داد. سابقه انجام مقدمات این کار را می‌توان در تشکیل مجمع تقریب مذاهب و روابط نزدیک بزرگانی چون آیت ا کاشانی، آیت ا قمی و شهید نواب صفوی با عده‌ای از علمای الازهر و بنیان گزاران و بزرگان جماعت اخوان‌المسلمین مشاهده کرد. اقداماتی که در شکل نوین آن، باید توسط مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی بیش از پیش پیگیری شود.

"تشکیل یک نهضت علمی و منطقی فراگیر از سوی همه علمای مذاهب اسلامی غیر قابل اغماض است. برای ریشه‌کن کردن جریان تکفیر؛ این مخصوص مذهبی دون مذهبی [دیگر] نیست؛ همه مذاهب اسلامی که دلشان برای اسلام می‌سوزد، اسلام را قبول دارند و برای اسلام دل می‌سوزانند، در این وظیفه سهیمند، شریکند؛ باید یک حرکت علمی عظیمی انجام بگیرد"

"علاج اصلی، داروی اصلی برای امروزِ دنیای اسلام، داروی «اتحاد» است؛ باید با هم متحد بشوند. علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج‌فهمِ متعصبِ وابسته به این، یا فلان، یا آن فرقه اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند. تهیه منشور جزو کارهایی است که تاریخ، امروز از روشنفکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می‌کند. اگر شما این کار را نکنید، نسل‌های بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد". «مقام معظم رهبری»

پ) تاکید بر مبارزه با تهدیدات مشترک

برهم خوردن توازن قدرت منطقه غرب آسیا در پس تحولات سال 2011 موجب افزایش تنش و رقابت میان سه قدرت اصلی منطقه یعنی ایران، عربستان و ترکیه شد. رقابتی که با پشتیبانی بازیگران فراملی، موجب افزایش مسابقه تسلیحاتی، غفلت از خویشتن داری و شکل گیری بازی با حاصل جمع صفر شد. در این میان تولد نامیمون گروه‌های تروریستی، موجب غفلت مسلمانان منطقه از مبارزه با رژیم صهیونیستی شده است.

دشمن مشترکی که مبارزه با آن بهترین استراتژی وحدت آفرین برای مسلمانان است.

اما علاوه بر خود رژیم صهیونیستی، همراهی بسیاری از حاکمان عرب منطقه به خصوص عربستان سعودی با این رژیم باعث شده است تا مشکلات جهان اسلامی شکل پیچیده‌تری به خود بگیرد.

در این میان، فرصت به وجود آمده ناشی از بحران روابط قطر با عربستان سعودی را باید به عنوان فرصتی برای گسترش روابط ایران و قطر تلقی کرد. از مهم‌ترین اتهامات عربستان سعودی به قطر، حمایت حکومت این کشور از جماعت اخوان المسلمین به خصوص جریان حماس بوده است. البته در کنار این عامل مهم، حمایت شبکه الجزیره قطر از انقلاب‌های منطقه در سال 2011، کودتا نامیدن حکومت ژنرال السیسی در مصر، مخالف با پدرخواندگی عربستان در منطقه و برخی اختلافات مرزی و نفتی، برخی از ریشه‌های این تنش بوده است.

اصلی‌ترین فرصت این تحولات برای ایران، گسترش روابط اقتصادی با قطر می‌باشد. در صورتی که حجم مبادلات و وابستگی متقابل اقتصادی افزایش پیدا کند، نفوذ کنشگری اقتصادی-سیاسی عربستان در منطقه کاهش و فضای بازی گری گروه های تروریستی خاندان سعودی محدودتر میشود.

از این رو نزدیکی ایران به قطر و در درجه دوم به جریان اخوان المسلمین، در صورت هوشیاری و توجه به مقتضیات خاص خود می‌تواند اهرمی جهت فشار بر محور عربستان و وهابیت و عدم سوق دادن گروه‌های اخوانی به تَله جریان وهابیت عربستانی باشد.

نتیجه

جریان اخوان المسلمین مصر را می‌توان به عنوان مرکز تفکر اخوانی در جهان اسلام، در حلقه دوم جغرافیای سیاسی ایران قرار داد. ویژگی اخوانالمسلمین در مقایسه با دیگر جنبشهای سلفی، وجود رهبران باتجربه، و همچنین وجه نسبتاً مسالمت‌آمیز و تکفیری نبودن آن است. از این رو علی رغم وجود طیفهای متنوع اخوانی، اختلافات تاریخی و سیاسی میان جمهوری اسلامی ایران و جماعت اخوان المسلمین و عملکرد نامناسب دولت اخوانی محمدمرسی پس از انقلاب ژانویه2011، امکان پیگیری روندهای همگرایانه هویتی و وحدت گرایی اسلامی و در چهارچوب های غیرسیاسی وجود دارد و رسیدن به توافق می تواند با

تضعیف جریان های سلفی-تکفیری به تحقق امنیت پایدار در جهان اسلام کمک کند.

در این روند، از تنش های عربستان و قطر نباید غافل شد و گسترش روابط اقتصادی را می توان به عنوان قدم اول جهت گسترش همکاری های همجانبه در نظر گرفت. پیگیری روندهای همگرایانه هویتی و وحدت گرایانه اسلامی با اخوان المسلمین علاوه بر اینکه موجب تقویت روابط ایران با قطر می شود؛ می تواند به عنوان اهرمی علیه گفتمان وهابیت عربستان سعودی استفاده شود.

منابع

1. مرادی، مجید. (1381) "نظریه دولت در اندیشه حسن البنا".

2. فراتی، عبدالوهاب. (1378) رهیافتی بر علم سیاست و جنبش های اسلامی معاصر.

3.خامه یار، عباس. (1390) ایران و اخوان المسلمین عوامل همگرایی و واگرایی (از پیداش تا 1991).

4. .محمد، محمودیان. (1390). "جنبش اخوان المسلمین و آینده سیاست خارجی مصر".

5. قاسمی، بهزاد. (1394) اخوان المسلمین مصر و تجربه نظام سیاسی

6. باقری، یوسف. (1393) "جریان شناسی فرقه های سلفی در خاورمیانه و شمال آفریقا".

7. خامه یار، عباس. (1390) ایران و اخوان المسلمین عوامل همگرایی و واگرایی (از پیداش تا 1991).

8. https://clarionproject.org/docs/Dabiq-Issue-14.pdf

9. http://farsi.khamenei.ir/keyword-print?id=5228

10. http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21957

منبع: https://taghrib.urd.ac.ir/fa/cont/7501